

مجله الکترونیکی

نو قلم

۱۴۰۱



روش‌های ارتباط موثر
مربیان، معلمان و والدین با دانش آموزان

گروه تبلیغ نوین صریر
به مدیریت: زهرا ابراهیمی

اداره فضای مجازی، هنر و رسانه

سال ۱۴۰۱





فهرست

- نقش ارتباط مؤثر مربیان، معلمان و مبلغان در تعامل با دانش آموزان
- روش‌های ارتباط مؤثر بین مبلغان، مربیان و معلمان با دانش آموزان
- رنگ و نوع پوشش عامل مؤثر در ارتباط معلم و دانش آموز
- تبلیغ خیرخواهانه
- ارتباطات غیرکلامی، کلید موفقیت مبلغان و مربیان در ارتباط با دانش آموزان
- راهبردهای «هندسه‌ی تربیتی» در تعامل با دانش آموز
- رتوریک دعوتی؛ الگوی کارآمد ارتباط مربیان با دانش آموزان
- یادداشت رسیده | نسل گریز یا و وظیفه‌ی مربیان، معلمان و مبلغان
- موانع ارتباط مؤثر بین معلم و شاگردان
- حلقه مفقوده ارتباط مؤثر بین مربیان، معلمان و مبلغان با دانش آموزان
- یادداشتی برای آموزگاران
- نقش و جایگاه ارتباط مؤثر در تعلیم و تربیت





نقش ارتباط مؤثر مربیان، معلمان و مبلغان در تعامل با دانش آموزان



یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه تعامل با دیگران مهارت برقراری ارتباط مؤثر است. این اصل در ارتباط میان مربیان، مبلغان و معلمان با دانش آموزان از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است.

از جمله نیازهای مهم انسان، شنیده شدن و دیده شدن است. آدمی دوست دارد تا کلام، گفتار، رفتار و احساساتش توسط دیگران دیده و شنیده شود. این نیاز در کودکان و نوجوانان به دلیل اقتضات سنی بیش از سایر گروه‌ها نمود پیدا می‌کند.

داشتن مهارت ارتباط مؤثر و دانستن روش‌های این ارتباط به مربیان و معلمان کمک می‌کند تا دانش آموزان خود را به درستی ببینند و بشنوند. در حقیقت این ارتباط به افراد جرئت حرف زدن و بیان احساسات می‌دهد. وقتی ارتباطی شکل می‌گیرد گوینده هدفی از گفته خود دارد و دوست دارد که شنونده همان معنا را از کلام او دریافت کند؛ اما به دلیل وجود ذخایر ذهنی متفاوت در ذهن گوینده و شنونده در اکثر مواقع برداشت‌ها متفاوت خواهد بود.

در کتاب ارتباط و شیوه‌های ارتباطی آمده است: «نوع احساس گیرنده پیام (به هنگام گرفتن پیام) بر تفسیری که او از محتوای پیام می‌کند اثر می‌گذارد. فردی که به هنگام گرفتن پیام خشمناک است، اگر پیام را در حالی دریافت کند که شاد و خوشحال است، به گونه دیگری تفسیر خواهد کرد. احساسات شدید همانند اندوه یا خوشحالی بیش از حد باعث می‌شود که شبکه‌های ارتباطی مخدوش شود. در چنین شرایطی فرد نمی‌تواند به روش بخردانه و معقول عمل کند و نوع قضاوت او بر عاطفه و احساسات قرار می‌گیرد» (۱)

دانستن روش‌های ارتباط مؤثر باعث می‌شود تا میان گوینده و برداشت شنونده فاصله‌ای ایجاد نشود. نوجوانان در اکثر مواقع به دلیل ترس از سوء تفاهمی که ممکن است از حرف‌ها و بیان احساساتشان برای دیگران پیش آید ترجیح می‌دهند که صحبت نکنند؛ به همین دلیل فرصت مشورت را از دست داده و به هنگام مواجه شدن با خطر هیچ نقطه امنی برای پناه بردن نمی‌جویند. اما آشنا بودن یک معلم یا مبلغ با روش‌های ارتباط مؤثر منجر می‌شود تا دانش‌آموز حس امنیت داشته باشد و بداند از آنچه





به معلمش می‌گوید و آن میزان از احساساتی را که مقابل او بازتاب می‌دهد هرگز برعلیه او استفاده نخواهد شد. در حقیقت ارتباط مؤثر حس امنیت را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. اگر مبلغ و معلم و مربی واقف باشند که در ارتباط، لحن صدا، حالات صورت، تماس دیداری، خوش‌خلقی در برخورد، با تمرکز گوش دادن و ... همه و همه می‌تواند در ایجاد این حس امنیت اثرگذار باشد سعی می‌کنند تا بهترین شنونده باشند.

از دیگر امور تأثیرگذار در یک ارتباط مؤثر شفافیت و صراحت در کلام است. در خیلی از برخوردها معلمان و مربیان به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که دانش‌آموز جرئت صریح‌گویی را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود تا از طریق دوپهلوی حرف زدن و مبهم‌گویی به بیان احساس خویش بپردازد. وقتی مربی به محض شنیدن کلام و دریافت احساس از سوی دانش‌آموز برخورد چکش‌ناشته باشد و واکنشی نامناسب از خود بروز ندهد دانش‌آموز نیز هرگز به دوپهلوی حرف زدن و عدم صراحت رو نمی‌آورد.

از دیگر اموری که می‌تواند در تقویت مهارت ارتباط مؤثر نقش بی‌بدیلی ایفا کند شناخت و تفکیک احساسات است. دانش‌آموزان در شرایط گوناگون ممکن است احساسات متنوعی را بروز دهند اما تشخیص اینکه کدام یک از این احساسات برگرفته از حقیقت وجودی آن‌هاست و کدام یک نوعی شیطنت بچه‌گانه، بر عهده مبلغ و معلم و مربی است. تلاش برای شناخت و درک به‌موقع احساسات و تفکیک میان عواطف کاذب و حقیقی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که ارتباط مؤثر را رقم می‌زند.

آگاهی مربیان و مبلغان از روش‌های ارتباط مؤثر باعث می‌شود تا دانش‌آموزان قدرت استدلال، نقادی و حضور در جامعه را پیدا کنند و بدون برهم زدن نظم فردی، خانوادگی و اجتماعی به دنبال یافتن حقیقت باشند. یکی از این روش‌ها گفتگو و تبادل نظر است. باید به دانش‌آموزان اجازه داد تا آزادانه به اظهار نظر بپردازند و بدون ترس از عواقب آنچه می‌گویند، از ذهنیت خویش نسبت به امور پیرامون خود پرده بردارند. البته هر گفتگو و بحثی نیازمند چهارچوب و ضوابطی است که لازم است قبل از تبادل نظر به اطلاع آن‌ها رسانده شود.

شرایط روحی و عاطفی تدریس نیز در تقویت ارتباط مؤثر نقش مهمی دارد. به عنوان مثال معلم، مربی و مبلغ باید:

۱. در هنگامی که نشاط روحی و عاطفی دارد، تدریس کند و این کار را با خوش‌رویی، نرم‌خویی و خونسردی انجام دهد و تا آنجا که امکان دارد، از تدریس به هنگام کسالت، عصبانیت، خواب‌آلودگی، اضطراب، نگرانی، ناراحتی و غمگینی بپرهیزد.

۲. سعی کند در تدریس، شور و احساس داشته باشد تا بتواند شور و احساس شاگردان را نیز برانگیزاند.

۳. تدریس، نیازمند تفریح است، آن را فراموش نکند.

۴. رابطه صمیمی و عاطفی با شاگردان برقرار کند. (۲)





در گذشته معلم، مربی و مبلغ در نقش رهبری آمرانه به مدیریت امور می‌پرداخت؛ اما امروزه رهبری کردن دانش‌آموزان و هدایت آن‌ها با دستور و امر، همخوانی ندارد و روش آمرانه سر از لجبازی درخواهد آورد. سازش یافتگی عاطفی و تاب‌آوری در برابر مشکلات و سختی‌ها تنها به واسطه برقراری ارتباط مؤثر نصیب دانش‌آموزان خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. امیری، مجتبی، ارتباط و شیوه‌های ارتباطی، تهران، الهدی، ۱۳۹۵ ه. ش، ص ۳۷

۲. اکبری، محمود، مهارت‌های کلاس داری، فتیان، ج ۱

زهرآ ابراهیمی

پنجشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۱

روزنامه اصفهان زیبا منتشر شده است

خبرگزاری حوزه نیز منتشر شده است

<https://www.hawzahnews.com/news/۱۰۶۴۱۱۱>

خبرگزاری رسانیوز منتشر شده است

<https://rasanews.ir/fa/news/۷۲۷۶۸۴>





روش‌های ارتباط مؤثر بین مبلغان، مربیان و معلمان با دانش‌آموزان



حوزه / هیچ‌گاه اشتباهات دانش‌آموزان را در مقابل دیگران به آن‌ها گوشزد نکنیم. به اصطلاح، به در بزنییم تا دیوار بشنود. در غیر این صورت آن‌ها درصدد لجبازی و تکرار اشتباه خود برمی‌آیند و عرصه را بر خود و معلم تنگ خواهند کرد .

خبرگزاری حوزه | اولین مکانی که روابط انسانی در آن شکل می‌گیرد خانواده است. پس از خانواده، جامعه و در رأس آن مدرسه و کلاس درس از جمله نهادهایی

هستند که انسان‌ها را به برقراری ارتباط (معلم و شاگرد) ترغیب می‌کنند.

در صورت برقراری ارتباط دوطرفه سالم، دوستانه و محبت‌آمیز بین معلم و دانش‌آموز، تبادل افکار و احساسات صورت می‌گیرد که گاهی این تعامل دوسویه به ارتباطی عاطفی می‌انجامد و زندگی فرد را متحول کرده و او را به قله‌های موفقیت سوق خواهد داد.

معلمانی که علاوه بر تسلط به مباحث مورد تدریس، مهارت‌های ارتباطی را به‌خوبی تمرین کرده‌اند، قطعاً بازدهی بیشتری از کلاس خود خواهند گرفت. تجربه نشان داده است که دانش‌آموزان در محیط‌های یادگیری تعاملی و جذاب که توسط معلمان توانمند ایجاد شده بسیار موفق عمل کرده‌اند.

از جمله راهکارهایی که می‌توانند این مهارت حیاتی را در نظام آموزشی ارتقا دهند عبارت‌اند از:

۱. احترام گذاشتن و ارزش قائل شدن برای کودکان و نوجوانان دانش‌آموز

همان‌طور که معلم دوست دارد دانش‌آموزان از بودن با او لذت ببرند و اوقات خوشی را تجربه کنند، دانش‌آموزان نیز خواهان احترام از سوی معلمان هستند تا در فضایی آکنده از محبت و صمیمیت لحظات شادی را سپری کنند.

از جمله مصادیق احترام عبارت‌اند از:

● هیچ‌گاه سخن دانش‌آموزان را قطع نکنیم. به‌عنوان مثال، اگر سؤالی دارند و فرصت مناسب برای پرسیدن سؤال نیست، با مهربانی از آن‌ها بخواهیم که در زمان دیگری مثلاً پس از تدریس، آخر کلاس و یا بعد از کلاس پاسخگو خواهیم بود. قطع کردن سخن، مصداق بی‌احترامی، تحقیر و از بین بردن اعتماد به نفس دانش‌آموز است.





● هیچ‌گاه اشتباهات دانش‌آموزان را در مقابل دیگران به آن‌ها گوشزد نکنیم. به اصطلاح، به در بزینیم تا دیوار بشنود. در غیر این صورت آن‌ها درصدد لجبازی و تکرار اشتباه خود برمی‌آیند و عرصه را بر خود و معلم تنگ خواهند کرد. باید حس خودبتریبینی و از بالا به پایین نگاه کردن را در خود از بین ببریم. خیلی متواضعانه و خودمانی در کنار دانش‌آموزان قرار بگیریم. یک معلم موفق، بایستی مکان‌شناس و زمان‌شناس خوبی نیز باشد.

● هیچ‌گاه بین دانش‌آموزان تبعیض قائل نشویم. تبعیض قائل شدن حس حسادت را در آن‌ها برمی‌انگیزد. اعتمادبه‌نفس آن‌ها را کاهش داده و بذر ناامیدی و یاس در دل آن‌ها می‌کارد. کم‌هوش و باهوش، بی‌بضاعت و غنی، ساکت و شلوغ، زرننگ و تنبل... همه و همه باید در نظر معلم یکسان باشند. این هنر معلم است که می‌تواند بدون جلب‌توجه دیگر دانش‌آموزان، نسبت به دانش‌آموزی که از بهره‌هوشی کمتری برخوردار است و یا از نظر مالی ضعیف‌تر است؛ مرحمت، دقت و توجه بیشتری مبذول دارد. این‌گونه است که احساس حقارت و خودکم‌بینی دانش‌آموز از بین می‌رود و با انگیزه‌ای دوچندان به تلاش خود ادامه می‌دهد.

● همواره به دانش‌آموزان مسئولیتی محول کنیم و در صورت انجام تکلیف خود، از آن‌ها قدردانی کرده و موفقیت‌هایشان را در معرض دید دیگران قرار دهیم (مثلاً بر روی پانل در وسط راهروی مدرسه یا روی دیوار کلاس فعالیت آن‌ها را ثبت کنیم). در این صورت، حس غرور و مفید بودن به دانش‌آموز دست می‌دهد و سعی می‌کند با تلاش مضاعف کار خود را انجام دهد.

۲. ایجاد محیطی امن در فضای یادگیری

مهم‌ترین مانع فراگیری، ترس است. ترس از شکست، ترس از توبیخ، ترس از نادان به حساب آمدن، ترس از تمسخر و...

اگر دانش‌آموزان در کلاس درس احساس امنیت کنند، مشکلات و مسائلشان را با معلم مطرح می‌کنند و در این فضای حمایتی و همدلی به دور از قضاوت، تمسخر و تحقیر در جادهٔ موفقیت گام برمی‌دارند. گاهی معلم می‌تواند در صورت تمایل دانش‌آموز و والدینش در رابطه با مسائل رفتاری و شخصی او نیز گفتگو کند که این طرز برخورد باعث تحکیم رابطهٔ بین معلم و شاگرد خواهد شد.

۳. استفاده از زبان بدن

حرکت کردن در کلاس، ارتباط چشمی و استفاده از حرکات دست و سر همراه با چاشنی شوخی و طنز به انتقال مفاهیم، افزایش توان بازدهی و ایجاد ارتباط صمیمی بین معلم و دانش‌آموز کمک شایانی خواهد کرد.

چنانچه معلم با چهره‌ای عبوس، خشک و بی‌روح در کلاس حاضر شود، جو کلاس خسته‌کننده و ملال‌آور خواهد شد، بازدهی کاهش‌یافته و دانش‌آموز نسبت به آن درس دل‌زده خواهد شد. برعکس





استفاده از زبان بدن همراه با شوخی و خنده، محیط یادگیری را پویا کرده و از حواس پرتی دانش‌آموزان جلوگیری خواهد نمود.

۴. بازخورد متقابل

ما باید نسبت به رفتار و عملکرد دانش‌آموزان بازخورد مثبت یا منفی نشان دهیم. اگر دانش‌آموزی درس‌هایش را به‌خوبی ارائه داد، تشویق شود و اگر دانش‌آموزی در حین دانش‌اندوزی بی‌انضباطی کرد، بازخورد منفی دریافت کند.

این هنر معلم است که چه زمانی از تشویق و تنبیه استفاده کند. تشویق‌های پی‌درپی دانش‌آموز را بی‌انگیزه کرده و تنبیه‌های بی‌جای ما حس خشونت و سرخوردگی، حقارت و کینه‌توزی در او ایجاد کرده که در موارد حاد به ترک مدرسه و ترک تحصیل منجر خواهد شد.

۵. به‌روز بودن

دیده‌شده که روش‌های سنتی تدریس در مدارس، در زمان کنونی پاسخگوی نیازهای قشر کودک و نوجوان نیست. اگر معلمان از امکانات روز فضاهای آموزشی مطلع نباشند و خود را مجهز به سلاح تکنولوژی نکنند، نمی‌توانند ارتباط کارآمدی با فراگیران خود داشته باشند.

اگرچه ظاهراً به نظر می‌رسد ارتباط ناکارآمد تنها بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد ولی با دقت درمی‌یابیم که این ناکارآمدی، بر تمامی عرصه‌های زندگی او تأثیر خواهد گذاشت از جمله:

- کاهش اعتمادبه‌نفس، سطح تمرکز و علاقه به کلاس و دلسرد شدن دانش‌آموزان.

- افزایش استرس و رفتارهای نابهنجار.

- افت تحصیلی دانش‌آموز و در نتیجه افت کیفیت آموزشی مدرسه.

- افزایش خشونت و درگیر شدن دانش‌آموزان با همدیگر و با معلم (در مقاطع بالاتر) و...

کلام آخر این‌که تعلیم و تربیت، هنری باارزش، ظریف و دقیق است و هرکسی نمی‌تواند این مسئولیت خطیر را عهده‌دار شود. این امر مهم، انسانی وارسته می‌طلبد که آگاهانه، دلسوزانه، خالصانه و مجهز به اطلاعات روز پای در این مسیر ناهموار آموزشی نهاد.

طاهره کنگازیان، عضو گروه نویسندگی صریح / خبرگزاری حوزه

<https://hawzahnews.com/xc3ZG>





رنگ و نوع پوشش عامل مؤثر در ارتباط معلم و دانش آموز



در کشورهای مختلف دانش‌آموزان زمان زیادی را در محیط‌هایی مانند سالن نمایش، حیاط، کتابخانه و... می‌گذرانند؛ ولی متأسفانه در ایران دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را در کلاس درس سپری می‌کنند. بنابراین برنامه‌ریزی برای هر چه لذت‌بخش کردن این محیط یادگیری اهمیت زیادی دارد.

معلم یکی از عناصر مهم در نظام آموزش و پرورش هر کشوری است. الگویی

بی‌بدیل که رفتار، منش و شخصیت دانش‌آموزان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. محیط یادگیری به‌خودی‌خود محیطی خشک و بی‌روح است و این معلم است که از هر ابزاری جهت پویا و زنده کردن این فضای آموزشی و جذب دانش‌آموز استفاده می‌کند. یکی از این ابزارها، آراستگی ظاهری و نحوه پوشش معلم است که در کنار دیگر مؤلفه‌های آموزشی تأثیر بسزایی بر هوش و ذهن دانش‌آموزان دارد.

امروزه، دانش‌آموزان به‌شدت تحت تأثیر رسانه‌های دیداری قرار دارند و پیام‌هایی بیشتر در ذهنشان ثبت و ضبط می‌شوند که به لحاظ بصری موردپسند واقع شده باشند. کودکان و نوجوانان از طریق چشم بیشتر از گوش و دیگر حواس، امور را فرامی‌گیرند. بنابراین ظاهر شخص از بعد بصری، تأثیری حیاتی در رشد فراگیران دارد. دانش‌آموزان به دلیل تغییراتی که گفته شد بسیار ریزبین و دقیق‌تر از گذشته شده‌اند و به رنگ و نوع پوشش معلمان بسیار توجه می‌کنند. اگرچه لباس، شخصیت، منش و نگرش معلم را شکل نمی‌دهد، اما زمینه‌ی قضاوت دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. هر چه ظاهر معلم آراسته‌تر و منظم‌تر باشد، دانش‌آموزان آرامش بیشتری احساس کرده، با علاقه‌مندی بیشتری در کلاس درس حاضر می‌شوند، با معلم خود بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و درصد موفقیتشان بسیار بالا می‌رود. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده است که: «البسه جدیداً و عَشَّ حَمِيداً؛ لباس نو بپوش و نیکنام زندگی کن»

در کشورهای پیشرفته دانش‌آموزان زمان زیادی را در محیط‌هایی مانند سالن نمایش، حیاط، کتابخانه و... می‌گذرانند؛ ولی متأسفانه در ایران دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را در کلاس درس سپری می‌کنند. بنابراین برنامه‌ریزی برای هر چه لذت‌بخش کردن این محیط یادگیری اهمیت زیادی دارد.





رنگ لباس رنگ روشن

معلم رکن اساسی کلاس درس است. لباسی که او متناسب با روحیه دانش آموز بر تن کرده، می تواند یکی از عوامل ایجاد انگیزه در دانش آموز باشد؛ لباس او نوازشگر چشمان دانش آموزان می شود و ارتباطی صمیمی بین آن ها شکل می گیرد. رنگ های گرم و روشن در تحریک یادگیری بسیار مؤثرند؛ به عنوان مثال، پوشیدن لباس هایی به رنگ سفید، کرم و زرد ملایم در محیط آموزشی باعث تقویت حافظه و تمرکز می شوند. پوشیدن لباس روشن و شاد علاوه بر اینکه برای خود فرد لذت بخش است و به او آرامشی خاص می دهد، بر محیط پیرامونی او نیز تأثیر بسزایی می گذارد. بهتر است معلمان سرکلاس هایی مانند درس ریاضی که تمرکز و آرامش بیشتری می طلبد بیشتر از لباس های رنگ روشن استفاده کنند. این نوع رنگ ها در کاهش استرس و ترس دانش آموز بسیار کمک کننده هستند.

نوع پوشش سادگی

معلم نباید از پوششی با طرح های شلوغ، پارچه های گران قیمت و خیره کننده که ذهن دانش آموز را به هم می ریزد، استفاده کند. ظاهری ساده، اما مرتب و تمیز می تواند آراستگی را حفظ کند. لباس معلم باید در عین سادگی زیبا باشد. ساده پوشی معلم باعث می شود تا دانش آموز ضمن فراگیری علم، درس ساده زبانی، قناعت، نظم و نظافت که از مهارت های حیاتی زندگی امروزی هستند را نیز بیاموزد. لازم به ذکر است که اگرچه سادگی از فضیلت هاست، اما با یکسان پوشی و عدم تکرار و تنوع متفاوت است. متنوع پوشیدن معلم به محیط فراگیری، جان و روح می دهد و دانش آموز را از بی حوصلگی و خمودی درمی آورد.

منطق بر فرهنگ جامعه

پوشش معلم بهتر است طبق استانداردهای روز و مطابق با هنجارها و ارزش های جامعه باشد. این روزها، به دلیل رشد فزاینده رسانه های سمعی و بصری، سطح توقع دانش آموزان از جامعه و به ویژه محیط آموزشی خود بالا رفته است. معلمی که بالباس های عجیب و غریب و دور از شأن خویش در کلاس درس حضور پیدا می کند، دانش آموز را دل زده و ناراضی کرده و در نتیجه کارایی کلاس کاهش می یابد و متأسفانه شأن، منزلت و شخصیت خود را نیز مورد سؤال، تمسخر و استهزا دانش آموزان قرار می دهد.

هماهنگی بین اجزای پوشش

هارمونی رنگ مانتو و مقنعه، کیف و کفش در خانم های معلم و کت و شلوار و پیراهن، ساعت و کمربند در آقایان بسیار حائز اهمیت بوده و در نظر دانش آموزان بسیار جذاب است. لباس های چندرنگی و نامتناسب باعث به هم ریختگی ذهن و حواس پرتی دانش آموز می شود. خوش پوش بودن معلم نقش مهمی در گیرایی و کارآمدی کلاس درس ایفا می کند.

آرایش مناسب





آرایش غلیظ و نابهنجار و استفاده از پوشش جیغ و تند فارغ از حکم فقهی، شایسته‌ی مقام پرمنزلت معلم نیست.

رسمی بودن

معلم بهتر است در برخی جلسات هم‌اندیشی و مشاوره، جلسات اولیا و مربیان و جلسات هم‌افزایی با مسئولین و مدیران از لباس رسمی استفاده کند؛ ولی در زمان‌های عادی لباس‌های راحت‌تر و معمولی‌تر بپوشد. در این صورت دانش‌آموزان با او احساس راحتی، نزدیکی و صمیمیت بیشتری می‌کنند و رابطه‌ای دوستانه بین آن‌ها شکل خواهد گرفت.

همدردی

اگر دانش‌آموزی پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را از دست بدهد معلم بهتر است که برای نشان دادن شریک بودن در غم او، ارزش قائل شدن و احترام گذاشتن به او یک روز لباس مشکی بپوشد. در این صورت است که دانش‌آموزان احترام به همدیگر و مشارکت در ناراحتی‌های یکدیگر را تمرین کرده و مهارت‌های ارتباط‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند.

متأسفانه نظام آموزشی کشور ما در زمینه پوشش معلم‌ها و دانش‌آموزان با چالش جدی روبرو بوده و هست. به دلیل شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر خانواده‌ها و اجتماع، معلمان و دانش‌آموزان از رنگ‌ها و پوشش مناسبی استفاده نمی‌کنند. سیستم آموزشی هم تحت‌الشعاع شرایط اقتصادی نابسامان قرار گرفته و معلم‌ها نمی‌توانند برای خرید پوشاک، هزینه‌های زیادی را متحمل شوند. تصمیم‌گیری در این زمینه در دست کسانی است که نه خودآگاهی دارند و نه از متخصصان، کارشناسان و آگاهان این امر مشورت و مشاوره می‌گیرند. هنوز سلیقه‌های سنتی مآبانه در مدارس اعمال می‌شود. همین نکات ریز اما مهم، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روند تحصیل آینده‌سازان این مرزوبوم گذاشته است.

انتهای پیام /

برچسب‌ها: پوشش, رنگ لباس, طاهره کنگازیان, لباس, لباس مشکی, مانتو, مقنعه

طاهره کنگازیان / خبرگزاری ندای اصفهان

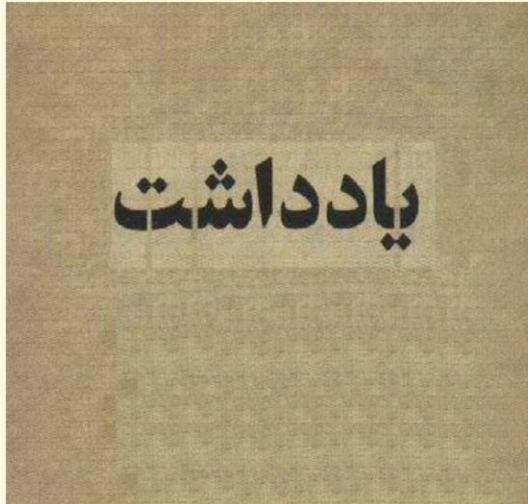
(عضو گروه نویسندگی صریح وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان)

<https://nedaesfahan.ir/۱۴۸۷۶۰>





تبلیغ خیر خواهانه



حوزه/ پیامبران الهی در همه جوانب زندگی الگوی ما هستند. یکی از مهمترین شوون آن- ها که باید مورد تاسی هر فردی واقع شود، شأن ایشان در جلوه ی یک مربی است؛ از همین روست که در روایتی از وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می- خوانیم: «الْيَصْحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ». «خبرگزاری حوزه | یکی از مهمترین دغدغه هایی که در زمینه آموختن و پرورش افراد مطرح است، برقراری ارتباط صحیح و کارآمد با طرف مقابل است.

محتوا به هر میزان جذاب باشد و در قالبی شکل ارائه شود، بدون قرار گرفتن مخاطب در اتمسفر گوینده، نمی تواند ثمره ی چشمگیری را به بار بنشانند. از این رو کسی که به هر عنوان در جایگاه منتقل کننده ی یک مطلب قرار می گیرد لازم است که یا حامل صفات و ویژگی هایی باشد و یا اینکه درصدد نهادینه کردن آن خصوصیات در خود برآید.

شناخت و تبیین ویژگی های لازم در امر تبلیغ و تدریس و آموزش، برای یک معلم، استاد و یا مبلغ، منبعی متقن و جامع را می طلبد. به همین دلیل قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام)، بهترین بستر برای احصاء این ملزومات هستند.

خداوند به عنوان خالق همه موجودات، آگاهترین کس به احوالات آنهاست و این خالق حکیم و عالم، برای تعلیم محتوای بی نظیر کتاب و حکمت بر اساس منطق شایسته سالاری، افرادی را برگزیده است که قطعاً کاملترین ویژگی های لازم در این زمینه را دارا هستند.

یکی از این خصوصیات که قرآن کریم بارها به آن اشاره کرده است، دلسوزی و خیرخواهی ایشان برای تمامی مردم است.

وصف "ناصح" که در قرآن کریم در رابطه ی با پیامبران الهی (صلوات الله علیهم اجمعین) به کار رفته است؛ به همین نکته اشاره دارد.

«أَبْلَغَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف-۶۲)

حضرت نوح (علیه السلام) می فرماید: (رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.)





«نُصَح و نصیحت» هر کار و هر سخنی است که در آن مصلحت دیگری باشد. این واژه در اصل به معنی خلوص و اخلاص است. به همین دلیل عسلِ خالص را «ناصح» می گویند. (۱)

بنابراین منظور، خیرخواهی خالصانه و با تمام وجود است؛ نه فقط در ظاهر. این خصلت در پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا حدی است که به فرموده ی قرآن کریم، نزدیک است که در راه تبلیغ معارف قرآنی، قالب تهی نمایند.

«فَلَعَلَّكَ بَاقِعٌ نَّفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف-۶)

(گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!) این آیه ی شریفه گویای نهایت دلسوزی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است؛ چرا که وجود نازنین ایشان به شخصی تشبیه شده که می بیند عزیزترین کسانش از او جدا می شوند و او با حسرت از پشت سرشان به آنان نگاه می کند.

پیامبران الهی در همه جوانب زندگی الگوی ما هستند. یکی از مهمترین شوون آنها که باید مورد تاسی هر فردی واقع شود، شأن ایشان در جلوه ی یک مربی است؛ از همین روست که در روایتی از وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم: «لَيُنصَحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ» (باید هر کدام از شما نسبت به برادر مؤمن خود خیرخواه باشد به همان اندازه که نسبت به خویش خیرخواه است). (۲)

نکته مهمی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد؛ این است که، زمانی تبلیغ ما مثمر ثمر خواهد بود که نه فقط ارتباط کلامی و فیزیکی برقرار شود؛ بلکه ارتباط روحی و قلبی با مخاطب ایجاد کنیم. کلام مشفقانه و با لحن آرام، اگرچه از ملزومات سخن یک مربی و مبلغ است؛ لکن باید از قلب آکنده از محبت سرچشمه گرفته باشد؛ تا در جان طرف مقابل اثر با دوام داشته باشد.

در حقیقت تا وقتی نتوانیم حتی دشمنان و افراد سر تا پا شیطنت و گناه را از صمیم قلب دوست داشته باشیم، نمی توانیم یک تبلیغ مؤثر ارائه دهیم. چه بسیار افرادی که واژه ای مهربانانه به کار می برند؛ لکن در قلب خود مخاطب را فردی دون مایه تلقی می کنند و این امر حجابی میشود در انتقال نفخات رحمانی به قلب گیرنده ی پیام هدایت.

فردی را در نظر بگیرید که در ذهنش نگاه تحقیرآمیز و غیر محترمانه به گناهکار دارد، لکن در مواجهه ی با او از ادبیات مشفقانه استفاده مینماید و انتظار تأثیر دارد؛ درحالیکه هیچگاه میوهی نفاق، وفاق نخواهد بود.

از راهکارهای نهادینه کردن خیرخواهی، پروراندن حلم و بردباری در خویشتن است. اگر صبر نباشد با دیدن کوچکترین عکس العمل ناشایست از طرف مخاطب از کوره به در می رویم و ارتباط مؤثر برقرار نخواهد شد.





راهکار دیگر این است که زمانی را که به امر تبلیغ اختصاص می دهیم، سرمایه گذاری بدانیم نه اتلاف هزینه. سرمایه گذاری پرسودی که هم در دنیا و هم در آخرت نتیجه آن را درو خواهیم کرد. راهکار دیگری که میتوان در این مجال به آن اشاره کرد، افزایش احساس تکلیف در خویشتن است. تا زمانی که نسبت به یکایک افراد جامعه احساسی مانند اعضای بدن خود نداشته نباشیم، نمی توانیم تعامل قلبی و فیزیکی مؤثری را برقرار نماییم.

آزاده ابراهیمی فخاری، عضو گروه صریر / خیرگزاری حوزه

<https://hawzahnews.com/xc&ck>





ارتباطات غیر کلامی، کلید موفقیت مبلغان و مربیان در ارتباط با دانش آموزان

ارتباطات غیر کلامی امری آموختنی است، لازم است مربیان و مبلغان این مهارت را بیاموزند و نفوذ پیام خود را بر دانش آموزان افزایش دهند. این مهارت به آنان کمک می‌کند از راه بالا بردن سطح و کیفیت ارتباطات، آنچه را که می‌خواهند به مخاطبان منتقل کنند و علاوه بر این معنای رفتار دانش آموزان را بهتر درک کرده و در کار تبلیغ و تدریس موفق تر باشند.



مریم غازی اصفهانی | تاریخ انتشار: ۱۳:۵۵
دوشنبه ۲۶/۱۰/۱۴۰۱

صاحب نیوز-مریم غازی اصفهانی* / ارتباط، فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده به شرط همسان بودن معانی بین آنهاست. به عبارت دیگر ارتباطات فرآیندی است که در آن، معنا بین موجودات زنده تعریف و اشتراک گذاری می‌شود؛ بنابراین در هر ارتباط، فرستنده، پیام و گیرنده وجود دارد. از نگاه دیگر، ارتباط عمل انتقال معانی مورد نظر از یک فرد به دیگری از طریق فهم متقابل نشانه‌ها است. شکل‌گیری این ارتباط و انتقال معانی در پنج مرحله رخ می‌دهد: ابتدا انگیزه یا دلیلی در ذهن فرستنده شکل می‌گیرد، سپس پیامی که در ذهن فرستنده است با معانی دیگر ترکیب شده و پیام در قالب متن یا گفتار یا حتی یک ژست خاص کدگذاری می‌شود. بعد از آن، پیام رمزگذاری شده از طریق یک رسانه یا مجرا به مخاطب می‌رسد و در نهایت پیام توسط گیرنده رمزگشایی می‌شود.

ارتباط بین مبلغان و مربیان با دانش آموزان یکی از انواع ارتباطات است. در این ارتباط، مربی یا مبلغ پیامی را به دانش آموز مخابره می‌کند. هدف او از این مخابره، تأثیرگذاری بر دانش آموزان است. نکته مهم این است که توجه مبلغان و مربیان به ارتباطات غیر کلامی باعث تأثیرگذارتر بودن این ارتباط است.

تعریف ارتباطات غیر کلامی ارسال هر پیامی برای طرف مقابل به کمک ابزاری غیر از کلمات با هدف تأثیرگذاری بر مخاطب است. بپردویسل، یکی از اندیشمندان ارتباطات، معتقد است که تنها ۳۵ درصد از معنای پیام از طریق کلام به مخاطب منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی مانده آن از نوع ارتباطات غیر کلامی است. اگر مبلغان و مربیان از پیام‌های غیر کلامی در ارتباط خود با دانش آموزان استفاده کنند و شیوه ارسال و نحوه تأثیر آن پیام‌ها بر دانش آموزان را بررسی و تحلیل نمایند، واجد دانش کافی در زمینه ارتباط غیر کلامی می‌شوند.

ارتباطات غیر کلامی به سه روش انجام می‌شود:





* استفاده از زبان بدن

پیام‌هایی که توسط بدن و قسمت‌های مختلف آن مخابره می‌شود. به‌عنوان مثال مریبان و مبلغان از طریق ژست‌های بدن، تکان دادن دست‌ها، دست گذاشتن بر سر یا شانه و نوازش موهای دانش‌آموزان، دست دادن با آن‌ها، اخم کردن، لبخند زدن و صحبت کردن با صدای بلند یا آهسته، پیام‌های موردنظر خود را ارسال می‌کنند. مریبان و مبلغان با استفاده از زبان بدن نگرش‌ها و احساسات خود را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند و این روش از روش‌های کلامی، تأثیرگذارتر است.

* استفاده از مکان و فاصله

در این نوع از ارتباط، پیام‌ها به‌وسیله فاصله‌ها، ابعاد فیزیکی اشیاء و نحوه قرار گرفتن وسایل موجود در محیط، ارسال می‌شود. به‌عنوان نمونه ابعاد میز اتاق مبلغ یا میز معلم در کلاس درس و جای قرار گرفتن آن، معانی خاصی را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. علاوه بر این، اگر فاصله صندلی مربی تا نیمکت‌های دانش‌آموزان زیاد باشد دارای پیامی برای آن‌هاست. کم بودن فاصله مربی با دانش‌آموز موجب می‌شود دانش‌آموز احساس نزدیکی عاطفی و ارتباط روحی بیشتری با مربی داشته باشد و حس امنیت و آرامش را به او منتقل می‌کند. جای نشستن دانش‌آموزان نیز حاوی پیام است، آن‌هایی که انتهای کلاس می‌نشینند با کسانی که ردیف اول هستند پیام‌های متفاوتی را ارسال می‌کنند. حتی محلی که دانش‌آموزان کیف و وسایل شخصی‌شان را می‌گذارند برای مربی دارای معانی و پیام‌هایی است. برخی از نشانه‌های غیرکلامی دیگر مربوط به مکان عبارت‌اند از رنگ‌های به‌کاررفته در کلاس یا محل تبلیغی، بوها و رایحه‌های مربوط به محیط و افراد، چیدمان وسایل و حتی لباس و ظاهر مربی و مبلغ است.

* نقش زمان در ارتباطات غیر کلامی

عنصر زمان نیز در ارتباطات مبلغان و مریبان با دانش‌آموزان دارای پیام است. زمانی که مربی یا دانش‌آموز دیر در کلاس حاضر شود و وقتی که سر وقت یا زودتر از زمان مقرر به کلاس برود معانی مختلفی را می‌رساند. مثال دیگر دانش‌آموزی است که در وسط صحبت مربی سؤالی را مطرح می‌کند و دانش‌آموز دیگری که سؤالش را پس از اتمام کلام مربی می‌پرسد. آیا مربی از رفتار این دو دانش‌آموز پیام یکسانی را دریافت می‌کند؟ بنابراین لازم است مبلغین جهت برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان و انتقال پیام به آن‌ها زمان مناسبی را انتخاب نمایند. انتقال یک پیام در زمان‌های گوناگون می‌تواند معانی متفاوتی را به مخاطبان انتقال دهد و مبلغ با انتخاب زمان متفاوت می‌تواند معنای یک پیام کلامی را تغییر دهد. این نمونه‌ها نشان‌دهنده نقش مهم زمان در ارتباطات است.

در بیشتر موارد ارتباطات غیرکلامی مؤثرتر از ارتباطات کلامی است و مبلغان و مریبان با بهره‌گیری مناسب از آن بهتر از به‌کاربردن کلام می‌توانند قصد و نظر خود را به دانش‌آموزان منتقل کنند. حضرت علی (علیه‌السلام) در این رابطه فرموده‌اند: لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ: زبان حال، راست‌گوتر از





زبان گفتار است. چه بسا مبلغی با یک لبخند بتواند احساسی عمیق و پیامی معنادار را به مخاطب خود برساند در حالی که با بیان یک مطلب اعتقادی و پندآموز نتواند پیام مهمی را به او منتقل نماید. در متون اسلامی نیز به موضوع ارتباطات غیرکلامی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب توجه شده است. در قرآن کریم به نمونه‌هایی از ارتباطات غیرکلامی مانند راه رفتن متواضعانه، توجه به حالات چهره و گشاده‌رویی، تماس چشمی، توجه به تن صدا و لحن کلام و... اشاره شده است. از آنجاکه به‌کاربردن ارتباطات غیرکلامی امری آموختنی است، لازم است مربیان و مبلغان این مهارت را بیاموزند و نفوذ پیام خود را بر دانش‌آموزان افزایش دهند. این مهارت به آنان کمک می‌کند از راه بالا بردن سطح و کیفیت ارتباطات، آنچه را که می‌خواهند به مخاطبان منتقل کنند و علاوه بر این معنای رفتار دانش‌آموزان را بهتر درک کرده و در کار تبلیغ و تدریس موفق‌تر باشند.

مریم غازی اصفهانی/خبرگزاری صاحب نیوز / <http://snai.ir/1120120>





راهبردهای «هندسه‌ی تربیتی» در تعامل با دانش آموز

پیشنهاداتی به معلمان، مربیان و مبلغان برای تعامل بهتر با دانش‌آموزان: خودکنترلی هوشمندانه، تولید محتوای مناسب، آگاهی از عرصه‌ی مجازی، تبیین نیازها، جذابیت و خلاقیت، تعیین حدود و ثغور، نقل مکان و درک متقابل



یکی از مباحث اساسی در زندگی هر انسان، بررسی مسئله‌ی «هدف خلقت» است؛ از این رو بزرگترین دغدغه‌ای که همواره انسان‌ها در صدد پاسخگویی به آن بوده‌اند آگاهی از هدف خلقت و فلسفه‌ی زندگی است. مخلوقات از آغاز خلقت حرکت خود را از نقص شروع کرده‌اند، تا استعدادهای نهفته در وجودشان را به کمال آلهی که برای آن آفریده شده‌اند برسانند؛ بنابراین بعثت انبیاء برای تکامل انسان و دستگیری از اوست. به عبارت دیگر انبیاء آمده‌اند تا خلأ و نقص‌های زندگی انسان را مرتفع سازند؛ زیرا انسان در زندگی فردی و حتی در زندگی اجتماعی نخواهد توانست خلأ و

نقص‌های خود را بدون وساطتِ امدادهای وحی، حل و فصل کند. متتها انسان‌ها بخاطر قوه‌ی تعقل و تفکری که در آنها تعبیه شده در وضعیتی قرار دارند که می‌بایست خودشان از بین مسیر حق و باطل شاهراه سعادت را آزادانه انتخاب کنند و از هدایت تکلیفی و تشریحی بهره ببرند؛ اما از آنجایی که از آغاز خلقت تاکنون، در مقابل تربیت الهی، رقبای ضد تربیتی وجود داشته‌اند وجود یک معلم، مربی و مبلغ آشنا به فاکتورهای تاثیرگذار با اهداف بلندمدت و ماندگار می‌تواند تلاش ضد تربیتی دشمنان را خنثی کند و حرکت موثری در بهبود وضعیت تربیتی دانش‌آموزان داشته باشد. در ادامه پیشنهاداتی به معلمان، مربیان و مبلغان محترم شده که شایسته است برای تعامل بهتر با دانش‌آموزان از راهبردهای زیر استفاده گردد:

۱. خودکنترلی هوشمندانه

خودکنترلی هوشمندانه عبارتست از مهار هیجانات رفتاری و چشم‌پوشی از لذت‌های آنی زودگذر برای نیل به اهداف عالی و ماندگار. یک معلم، مبلغ و مربی، اولین وظیفه‌اش رصد کردن خود و به عبارت دیگر خودشناسی است. انسانی که قدم در وادی خودشناسی گذاشته قادر نخواهد بود تاثیرگذاری بهینه‌ای بر دانش‌آموزان داشته باشد؛ برآستی انسانی که به ارزش‌های وجودی خویش پی نبرده باشد چگونه می‌تواند دیگران را به خودارزشمندی دعوت کند؟!





۲. تولید محتوای مناسب

وقتی مربی خود را به خوبی شناخت در پرتو این خودشناسی علاقه، استعداد و حیطه‌ی فعالیت خود را به خوبی تشخیص می‌دهد و بالتبع می‌تواند مخاطب‌شناس و موقعیت‌شناس خوبی نیز باشد و بنا بر نیاز جامعه‌ی هدف، محتوا تولید کرده و ارائه دهد.

۳. آگاهی از عرصه‌ی مجازی

مربیان نباید در شبکه‌های مجازی منفعلانه عمل کنند زیرا در چنین صورتی از صحنه حذف می‌گردند؛ مربی آگاه به سواد رسانه، رقیب خوبی می‌باشد برای فضای مجازی که مکان پرتردد دانش‌آموزان است؛ زیرا امروزه کسانی می‌توانند با دانش‌آموزان ارتباط شایسته‌ای برقرار کنند که پهنه‌ی اطلاعات آنها از فضای مجازی نه تنها کمتر، بلکه بیشتر از دانش‌آموزان باشد. در وضعیت کنونی، کشور ما در میدان جنگ هیبریدی قرار دارد؛ بنابراین می‌بایست تجهیزات دفاعی ما در میدان جنگ مجازی و اطلاعات رسانه‌ای ما در فضای رسانه مساوی و یا حتی پیشرفته‌تر از حریف باشد زیرا اگر با سلاح پوسیده، سنتی و یا دست خالی در صحنه‌ی جنگ حاضر شویم مرگ و یا اسارت در انتظار ماست.

۴. تبیین نیازها

یک معلم، مربی و مبلغ موفق در جامعه مقهور محیط نمی‌شود بلکه برعکس نبض جامعه را در دست می‌گیرد یعنی لازم نیست بسنجد جامعه چه نیاز دارد بلکه برعکس او برای افراد جامعه تبیین می‌کند که برای پیشبرد سعادت چه پیش‌نیازهایی را لازم دارند.

۵. جذابیت و خلاقیت

جذابیت مطلب و خلاقیت ارائه از خود مطلب مهم‌تر است بنابراین بهتر است شروع بحث با داستان‌های جذاب، روایت و اتفاقات واقعی همراه شود و در عین حال سعی شود موارد مذکور به گونه‌ای باشد که بر ایمان دانش‌آموزان بیفزاید. بعلاوه اینکه برای تنوع از معما، کاردستی، نمایش، جدول، بازی، قصه، شعر و... استفاده شود.

۶. تعیین حدود و ثغور

والدین و مربیان می‌بایست برای دانش‌آموز قوانین تربیتی تنظیم کنند و حدود و ثغور آن را نیز مشخص کنند. همچنین با دانش‌آموزان همفکری و نظرسنجی کنند که با متخلفان قوانین چه رفتاری صورت بگیرد و به این ترتیب در کنار توجه و تشویق رفتارهای ارزشمند دانش‌آموز، در صورت پافرا نهادن از خطوط قرمز تربیتی نیز با او طبق قانون پیشنهادی خودش برخورد کنند.





۷. نقل مکان

یکی دیگر از مهارت‌های جذب دانش‌آموزان تغییر محل برگزاری برنامه‌های فرهنگی است. مربیان مدارس می‌توانند ارتباط تنگاتنگی با والدین داشته باشند و در صورت صلاحدید آنها هیئت دانش‌آموزی تشکیل دهند تا دانش‌آموزان در مکانی خارج از چهارچوب مکان آموزشی مدرسه با معلمان و دوستان خود گردهم آیند؛ همچنین اردوهای زیارتی سیاحتی در نظر گرفته شود زیرا چنین جمع‌هایی، هم لذت معنوی دارد، هم تفریح مناسبی است، هم روحیه‌ی همکاری را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و هم مهارت زندگی اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۸. درک متقابل

اگر مربیان با مربیان خود فضای همدلی ایجاد کنند موجب می‌شود گلایه‌ها، اعتراضات و شبهات دانش‌آموزان، در چهارچوب تعاطف و استدلال حل و فصل گردد. معلمان، مربیان و مبلغان می‌بایست برای دانش‌آموزان در حکم یک دوست و یا رفیق باشند تا دانش‌آموز بتواند با آنها رابطه‌ی صمیمانه برقرار کند و مشکلات خود را به راحتی با مربی خود در میان بگذارد. دانش‌آموزان معمولاً از مربی یا معلم و یا هر کسی که در مقام پند دادن و نصیحت کردن باشد گریزان‌اند اما برعکس محبت، موجب حرف‌شنوی بهتر می‌گردد البته نکته‌ی اساسی این است که این رفاقت باید واقعی باشد نه وانمود به دوستی و ظاهرسازی زیرا دانش‌آموزان رفتار تصنعی را متوجه می‌شوند.

ناگفته نماند تثبیت رفاقت نیاز به زمان دارد و در یک جلسه ایجاد نمی‌شود بلکه در چندین جلسه حاصل می‌گردد. البته این محبت می‌بایست در حد اعتدال و در حد ظرفیت فرد باشد زیرا افراط در محبت ممکن است آسیب و ابستگی را در پی داشته‌باشد. بنابراین اگر مربیان عالم به عالم دانش‌آموز باشند، رمز ورود به دل‌ها را کشف می‌کنند و فاتح قلوب خواهند بود.

مرضیه رمضان‌قاسم / خبرگزاری ندای اصفهان

(عضو گروه نویسندگی صریر وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی استان اصفهان)

<https://nedaesfahan.ir/۱۴۸۸۸۹>





رتوریک دعوتی؛ الگوی کارآمد ارتباط مریبان با دانش آموزان

در سنت اسلامی، اصطلاح «رتوریک» را به جای بلاغت قرار داده‌اند، از این رو با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی خاص نوجوانان در عصر کنونی، الگوی رتوریک دعوتی می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کارآمد توسط مبلغان و مریبان در مواجهه با دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.



به گزارش خبرنگار ایمنلا، اصطلاح «رتوریک» Rhetoric که در سنت اسلامی اصطلاح «بلاغت» را معادل با آن قرار داده‌اند، در تاریخ بلاغت قدیم دو مفهوم اصلی داشته است؛ نخستین مفهوم، دریافت ارسطویی از بلاغت است که بیشتر آن را با خطابه و فنون و ابزار اقناع مخاطب مرتبط می‌کند.

مفهوم دیگر، زیبایی‌شناختی یا ادبی است که بلاغت را با شعر و فنون و ابزار تخیل پیوند می‌دهد، از این دو رویکرد سه‌گانه به معنای و کاربرد بلاغت در دوران معاصر پدید آمد، یکی رویکرد استدلالی-منطقی (فلسفی) و دیگری رویکرد سبک‌شناختی-ادبی (شعری) و در نهایت رویکرد گفتمانی-نشانه‌شناختی (متنی).

دو رویکرد نخست در تعارض با یکدیگر هستند؛ یکی بلاغت را به سوی علم منطق می‌کشاند و دیگری آن را به شعر مرتبط می‌کند، اما رویکرد سوم سعی دارد دامنه شمول این علم را فراتر ببرد، به گونه‌ای که دو مفهوم پیشین را توأمان شامل شود، در تاریخ بلاغت اسلامی نیز چنین رویکرد سه‌گانه‌ای به مفهوم بلاغت نزد ناقدان و بلاغت‌نگاران اسلامی یافتنی است.

اصطلاح رتوریک برای نخستین بار در یکی از دیالوگ‌های «افلاطون» به نام «گورگیاس» در معنای خطابه به کار رفته و تا مدت‌ها به همین معنا رایج بوده است، از این رو با تحولات عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی که در اروپا رخ می‌دهد، معنای رتوریک در طول تاریخ دستخوش تغییر می‌شود و این اصطلاح به غیر از خطابه بر مفاهیمی مانند بلاغت، لفاظی، سبک‌پست، اقناع و ارتباطات تغییر می‌کند.

ارتباطات یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات است

مریم غازی اصفهانی، کارشناس مسائل تربیتی در گفت‌وگو با خبرنگار ایمنلا، با بیان اینکه امروزه ارتباطات (به معنی پیوند دادن و ربط دادن) یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوعات است،





اظهار می‌کند: عصر حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند. اندیشمندان علوم اجتماعی معتقد هستند ارتباط به معنای سازوکاری است که روابط انسانی بر اساس آن ایجاد شده و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آن‌ها در زمان و مکان بر اساس ارتباط توسعه می‌یابد.

وی ادامه می‌دهد: ارتباط، مبنای روابط انسانی است و روابط انسانی به وسیله ارتباط برقرار می‌شود، علاوه بر این، ارتباط محتوای روابط انسانی را از شخصی به شخص دیگر یا از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌کند.

این کارشناس مسائل تربیتی تصریح می‌کند: مهم‌ترین هدف ارتباط، اقناع و تأثیرگذاری بر مخاطب است، مبلغان و مربیان به‌عنوان رهبران فکری دانش‌آموزان در ارتباطات خود در مواجهه با آن‌ها به دنبال دستیابی به اقناع هستند، مکانیسم اقناع مخاطب این‌گونه است که مبلغ یا مربی ارتباط مناسبی با دانش‌آموز برقرار می‌کند و از این طریق محتوایی را به او انتقال می‌دهد، چنانچه محتوا مورد پذیرش دانش‌آموز قرار گیرد و اقناع شود از آن محتوا تأثیر می‌گیرد و تغییر در او رخ می‌دهد.

وی با بیان اینکه یکی از کارآمدترین روش‌ها برای داشتن ارتباط مؤثر و اقناع استفاده از «رتوریک» است، می‌گوید: اصطلاح رتوریک برای اولین بار توسط افلاطون در سال ۳۸۰ قبل از میلاد و به معنای خطابه به کار رفت، معنای این اصطلاح در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شد و بر بلاغت، لفاظی، سبک پست، اقناع و ارتباطات اطلاق می‌شد.

غازی‌اصفهانی با بیان اینکه در نوشتار کنونی مقصود از رتوریک، اقناع و ارتباطات است، می‌افزاید: براین اساس رتوریک سستی، محتوای ارتباطی است که به قصد تأثیرگذاری بر مخاطب ارسال می‌شود و به صورت صریح بر مخاطب تمرکز دارد، رتوریک سستی هدفی از پیش تعیین‌شده دارد و آن اقناع و تأثیرگذاری بر مخاطب است، همان هدفی که ارسطو نیز در خطابه خود به دنبال آن بود.

وی اضافه می‌کند: جرج کمپبل، رتوریک را هنر ارتباطات می‌داند که از طریق آن ارتباط‌گر نه تنها افکار بلکه عواطف، احساسات، گرایش‌ها و اهداف خود را دنبال می‌کند، بنابراین مبلغان و مربیان در زمانی که باهدف ایجاد تأثیر، تجربیات و عواطف خود را با دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذارند، در حال ارتباط با الگوی رتوریکی هستند.

برابری و خودکنترلی ریشه رتوریک دعوتی است

این کارشناس مسائل تربیتی خاطر نشان می‌کند: اندیشمندان ارتباطات، در عصر حاضر انتقاداتی را بر رتوریک سستی وارد کرده‌اند، یکی از نقدها این است که رتوریک سستی به دنبال تحمیل خودآگاه یا ناخودآگاه اهداف فرد ارتباط‌گر بر مخاطب است. نقدهای وارد شده بر رتوریک سستی موجب شد برخی از نظریه‌پردازان جدید به سوی نوع دیگری از رتوریک با عنوان «رتوریک دعوتی» گرایش پیدا کنند.





وی می‌افزاید: رتوریک دعوتی، عبارت است از دعوت به فهمیدن به‌عنوان وسیله‌ای برای خلق ارتباط. این الگو در برابری، ارزش ماندگار و خودکنترلی ریشه دارد. الگوی رتوریک دعوتی از مخاطبان دعوت می‌کند تا به جهان فرد ارتباط‌گر وارد شوند و آنچه او انجام می‌دهد، ببینند، ارتباط‌گران در ارائه چشم‌انداز خاص خود قضاوت نمی‌کنند و دیدگاه دیگران را بدنام جلوه نمی‌دهند، بلکه باز عمل می‌کنند، آن‌ها سعی دارند از دیدگاه‌های دیگر نیز قدردانی کرده و آن‌ها را ارزشمند جلوه دهند، حتی اگر با دیدگاه خودشان متفاوت باشد. آن‌ها در تلاش هستند مخاطبان، دعوتشان را گوش دهند و سعی دارند ابتدا چشم‌انداز مخاطب را بپذیرند و سپس دیدگاه خود را ارائه کنند.

غازی‌اصفهانی تصریح می‌کند: در رتوریک دعوتی، این اتفاق رخ می‌دهد که فرد رتوریک و مخاطب به‌صورت یکسان درباره یک پدیده فکر می‌کنند، بنابراین هرکسی که در این ارتباط حضور داشته باشد، درک بیشتری از آن موضوع را به دست خواهد آورد و به موشکافی، غنا و پیچیدگی لازم دست می‌یابد، بنابراین نتیجه رتوریک دعوتی تنها در یک جریان یا گروهی از مخاطبان نیست.

وی اضافه می‌کند: الگوی رتوریک دعوتی غیرموروثی، بدون قضاوت و غیرتبلیغی است، فهم شرکت‌کنندگان از محتوای ارتباطی، منجر به تولید ارزش‌ها و احساس برابری خواهد شد. ارتباط‌گران در این الگو توانایی نزدیک شدن به مخاطبان خود را به دست می‌آورند و این امر با یک ضمانت اجرایی قدرتمند همراه است.

تغییر، نتیجه رتوریک دعوتی است نه هدف آن

این کارشناس مسائل تربیتی اظهار می‌کند: نکته مهم این است که تغییر، ممکن است نتیجه رتوریک دعوتی باشد اما هدف آن نیست؛ تغییری که در رتوریک دعوتی اتفاق می‌افتد نتیجه درک و فهم مخاطب است و این با نوعی از تحقیر که اثر متقابل اقناع در رتوریک سنتی را مشخص می‌کند، متفاوت است.

در الگوی سنتی، تغییر به‌عنوان چرخشی در مخاطب از مسیر موردنظر فرد رتوریکی است که به‌وسیله سهمی از قدرت و کنترل بر مخاطب حاصل شده است. مخاطبان حتی ممکن است تغییر را در برابر رفتار ارتباط‌گر انتخاب کنند چون به‌وسیله شخص دیگری در تعامل اقناع شده‌اند، اما در الگوی دعوتی محتوای اقناعی به‌وسیله یک فرد رتوریکی ارائه شده و برتری محتوای دیگری را نمی‌پذیرد اما در فهم تمام حاضران در جریان ارتباط رتوریکی سهم است.

وی می‌گوید: با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی خاص نوجوانان در عصر کنونی، الگوی رتوریک دعوتی می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کارآمد توسط مبلغان و مربیان در مواجهه با دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد، طبق این الگو مبلغان به هدف ایجاد تغییر و اقناع با دانش‌آموزان ارتباط برقرار نمی‌کنند، بلکه به دنبال ایجاد فهم و چشم‌اندازی جدید در آن‌ها هستند، در این ارتباط قدرت و کنترل مخاطب وجود ندارد و مخاطب نوجوان چشم‌انداز جدید خود را آگاهانه و آزادانه انتخاب می‌کند.





مبلغ در ابتدا گفت‌وگو و ارتباط نزدیکی را با دانش‌آموز ایجاد می‌کند و از این طریق او را با جهان درون خویش آشنا می‌کند، او پس از شنیدن نظرات و چشم‌اندازهای آن‌ها محتوای موردنظر خود را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد. استفاده از این الگو توسط مربیان، باعث می‌شود محتوای ارتباطی در ذهن دانش‌آموزان ماندگار شود و تأثیرات شایسته‌ای بر جای گذارد.

مریم غازی اصفهانی / خبرگزاری ایمننا / <https://b2n.ir/b32460>





یادداشت رسیده | نسل گریز یا و وظیفه‌ی مربیان، معلمان و مبلغان



حوزه/ مربیان، مبلغان و متصدیان امر تربیت موظف‌اند با تغییر شیوه‌های ارتباطی، به‌جای تقلید و تحمیل، به قدرت انتخاب دانش‌آموزان اعتماد کرده و با پذیرش طغیانگری آنان، مسیر را برای آزمون و خطای آنان هموار کنند، تا دانش‌آموزان با استفاده از عقل و منطق و تجربه‌گرایی خود مسیر صحیح را برگزینند.

خبرگزاری حوزه | یکی از معضلات عصر کنونی، شکاف بین نسل‌ها و ایجاد

اختلال در روابط بین نسل جدید و نسل قبلی است. قشر جوان و نوجوان معمولاً از شنیدن نصیحت بزرگ‌ترها به‌ویژه معلمان، مربیان و مبلغان فراری‌اند و سعی می‌کنند خود را در تیررس آنان قرار ندهند. بروز رفتارهای نابهنجار، بزهکاری، اعتیاد، رابطه با جنس مخالف و ... از پیامدهای ارتباط نادرست مربیان، مبلغان و معلمان با دانش‌آموزان است.

با ورود به عصر تکنولوژی و گسترش فراوان وسایل ارتباطی، دانش‌آموزان علاوه بر فضای حقیقی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، با فضای مجازی نیز به‌طور گسترده‌ای در ارتباط‌اند.

متأسفانه این تکنولوژی خود، عامل دیگری برای شکاف بین آنان و مربیان و فاصله‌ی آن‌ها از نظر فکری و عاطفی شده است؛ اما به‌راستی علت این مشکلات کجاست؟ چه کسی مقصر اصلی این ماجراست و راه‌حل این بحران چیست؟

دانشمندان علم ارتباطات، سه رکن اصلی ارتباط را فرستنده، گیرنده و پیام می‌دانند. آنان معتقدند برای برقراری ارتباط صحیح و مؤثر، هریک از این مؤلفه‌ها باید نقش خود را به‌درستی ایفا کنند؛ اما به نظر می‌رسد، نقش فرستنده (مربیان، معلمان و مبلغان) در نحوه‌ی انتقال پیام به گیرنده (دانش‌آموزان)، بسیار حیاتی‌تر است؛ زیرا او باید بداند که چه پیامی را چگونه، چه زمانی و از چه راهی به گیرنده برساند.

نحوه‌ی برقراری ارتباط و انتقال پیام مربیان، معلمان و مبلغان با دانش‌آموزان در میزان پذیرش و باور آن‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. مربیان چگونه باید پیام خود را به دانش‌آموزان منتقل کنند تا منظور آنان را به‌درستی دریابند؟





بهترین و کامل‌ترین پیام‌رسان، پیامبران الهی و کتاب آن‌هاست. قرآن که معجزه‌ی پیامبر اکرم (ص) است در حد اعلای بلاغت قرار دارد، یعنی به بهترین نحو پیام خداوند را به انسان‌ها می‌رساند؛ پس بهترین الگو برای حل این معضل، روش قرآن کریم است.

قرآن در جاهای مختلف برای آگاه‌سازی افراد از موعظه استفاده می‌کند، اما در نهایت تصمیم‌گیری را به عهده‌ی خود شخص می‌گذارد. «أَنَا هَدِينَاهُ السَّبِيلَ أَمَا شَاكِرًا وَ أَمَا كَفُورًا»، به‌راستی ما راه (حق) را به او نمایان‌دیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. (انسان، آیه ۳)

مفسران در تفسیر این آیه بیان کرده‌اند که: هدایت گاهی فطری است و گاهی از طریق تحصیل و تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه به دست می‌آید. نوع دیگر هدایت هم از راه تبلیغ و ارشاد انبیاء و اولیاء است. امام صادق (ع) نیز در تفسیر این آیه فرموده‌اند: ما راه را به او معرفی کردیم، یا آن را می‌گیرد و یا رها می‌کند. (دانشنامه اسلامی، برگرفته از سخنرانی استاد قرائتی)

با توجه به این مطالب درمی‌یابیم که خداوند پس از ارشاد و راهنمایی بندگان به آنان حق انتخاب و اختیار داده است تا با عقل و آگاهی، راه خود را برگزینند.

اگر رفتار معلمان و مربیان با دانش‌آموزان توأم با محبت و احترام به حق انتخاب آن‌ها باشد، در این صورت آنان پیام را به‌درستی دریافت کرده و متوجه خواهند شد که مربیان، خیرخواه ایشان هستند و قصد وادار کردن آن‌ها به کاری را ندارند.

از طرف دیگر، مسئولیت‌بخشی به دانش‌آموزان و اعتماد به توانایی و استعدادهاى آن‌ها نیز علاوه بر تقویت حس مسئولیت‌پذیری، نشان‌دهنده‌ی بها دادن به شخصیت آن‌هاست. تقویت اراده‌ی فرد به‌جای اعمال فشار و زور در عقاید شخصی و تکیه‌بر قدرت انتخاب او سبب رشد اعتمادبه‌نفس او شده و زمینه را برای تأثیرپذیری فراهم می‌سازد؛ زیرا هر عملی، عکس‌العملی را به دنبال دارد. احترام و اعتماد به فرد، سبب احترام و اعتماد متقابل او خواهد شد در نتیجه سخنان و اندرزها را بهتر می‌پذیرد و رابطه‌ی صمیمی‌تری با او برقرار می‌کند.

بنابراین وظیفه‌ی مربیان، معلمان و مبلغان، تنها فراهم کردن زمینه و آگاهی‌بخشی همراه با احترام به شخصیت دانش‌آموزان است تا آنان با آزمون و خطا، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب داشته باشند. در این صورت با اعتمادبه‌نفس بیشتر و استفاده از نیروی اندیشه و تفکر خود مسیر درست را یافته، برای پیشرفت و تعالی خود سعی و تلاش می‌کنند. در غیر این صورت، اعمال زور و فشار سبب دوری آنان از معلمان و مربیان شده و آن‌ها را به لجاجت وامی‌دارد و فاصله‌ی آنان را هر روز بیشتر خواهد کرد.

مربیان، مبلغان و متصدیان امر تربیت موظف‌اند با تغییر شیوه‌های ارتباطی، به‌جای تقلید و تحمیل، به قدرت انتخاب دانش‌آموزان اعتماد کرده و با پذیرش طغیانگری آنان، مسیر را برای آزمون و خطای آنان هموار کنند، تا دانش‌آموزان با استفاده از عقل و منطق و تجربه‌گرایی خود مسیر صحیح را برگزینند.





الهه دهقانی، کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی

خبرگزاری حوزه/

<https://hawzahnews.com/xc0Vz>





موانع ارتباط مؤثر بین معلم و شاگردان



ارتباط مؤثر بین معلم و شاگرد نقش بسزایی در افزایش یادگیری شاگردان دارد و عدم توجه به قواعد گفت و گو یکی از موانع این ارتباط مؤثر است.

به گزارش سرویس فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری رسا، ارتباط، زمینه‌ساز فعالیت اجتماعی و سرآغازی برای زندگی اجتماعی ماست. به فرآیند ارسال و دریافت پیام که می‌تواند به صورت کلامی و غیرکلامی منتقل شود ارتباط می‌گویند. پس هدف اصلی از برقراری ارتباط، انتقال پیام است.

در وجود همه‌ی انسان‌ها بالقوه، امکان برقراری ارتباط است؛ اما انسان‌ها در عمل با تعداد کمی از افراد ارتباط برقرار می‌کنند. اینکه چه اتفاقی رخ می‌دهد که ما با تعداد کمتری از افراد ارتباط برقرار می‌کنیم دلایل گوناگونی دارد که به نوع نگرش ما به زندگی، ارزیابی‌هایمان نسبت به موقعیت‌های مختلف زندگی و وضعیت عاطفی-هیجانی مان برمی‌گردد.

برقراری ارتباط مؤثر به عنوان یکی از اصلی‌ترین تکنیک‌های آموزش مهارت‌های زندگی در نظر گرفته شده و زمانی که نتوانیم با دیگران ارتباط بین‌فردی ایده‌آلی برقرار کنیم یعنی آن مهارت را به درستی کسب نکرده‌ایم و این ارتباط نامؤثر منجر به ایجاد فاصله‌ی میان‌فردی می‌شود.

در این نوشتار کوتاه ما به موانعی که منجر به عدم ارتباط مؤثر بین شاگرد و معلم است می‌پردازیم. از جمله دلایل عدم ارتباط مؤثر بین معلم و شاگرد عبارت‌اند از:

عدم توجه به قاعده‌ی گفت و گو

از مهم‌ترین موانع ارتباط مؤثر، عدم استفاده از قاعده گفتگوی دو طرفه است. منظور از قاعده‌ی گفتگوی دو طرفه این است که معلم زمان خود را مدیریت کند و بیشترین فرصت را برای شنیدن دانش‌آموزان و زمان کمتری را برای انتقال مفاهیم آموزشی قرار دهد.

اگر قاعده‌ی گفتگوی دو طرفه بین معلم و شاگرد ایجاد نگردد در وجود دانش‌آموز بغض و کینه معلم ایجاد شده و در پی آن ارتباطشان دیگر اثرگذار نخواهد بود.





سلطه‌گری معلم نسبت به دانش‌آموز

یکی دیگر از موانع ارتباط مؤثر، سلطه‌گری معلم نسبت به شاگردانش است. زمانی که معلم بداند شاگردان در دستان او امانت‌های الهی‌اند، هرگز نسبت به آن‌ها حالت سلطه‌گری نخواهد داشت. چون در برخورد ابتدایی تصویری که دانش‌آموز از معلم خویش در ذهن می‌سازد تصویر خوبی‌ست؛ اما سلطه‌گری منجر می‌شود که دانش‌آموزان تصویر ذهنی‌شان نسبت به معلم تغییر کند و همین مسئله، شکاف ارتباطی بین آن‌ها را نتیجه می‌دهد.

عدم همدلی با دانش‌آموز

از موانع مهم در درک مفاهیم آموزشی، عدم رابطه‌ی همدلانه میان معلم و دانش‌آموز است. همدلی یعنی؛ معلم سر بزنگاه علاقه‌ی دانش‌آموز را کشف کند و در برخورد با دانش‌آموز، از قوه‌ی حسی و عاطفی خود کمک گیرد و با اصل مهربانی با او رفتار کند؛ اگر همدلی میان معلم و شاگرد وجود نداشته باشد، این مسئله باعث می‌شود که معلم توانایی لازم برای نفوذ در دل شاگرد را از دست بدهد و این امر در نهایت، منجر به تخریب رابطه‌ی آن‌ها می‌گردد.

عدم دریافت بازخوردهای مثبت و منفی

اگر معلم در حین ارائه تدریس از دانش‌آموزان، بازخورد مثبت و منفی بگیرد با ارائه‌ی این راهبرد علاوه بر آن که اجازه فکر کردن به آن‌ها داده است؛ متوجه ضعف‌های تدریس خود نیز می‌شود. دیگر آن‌که معلم همواره باید روح آزادی و تفکر توأم با پژوهش را در شاگردانش پروراند تا این‌گونه رابطه‌شان بهبود یابد.

عدم گوش‌دادن فعال و مؤثر

تا زمانی که معلم مهارت شنیداری خود را ارتقاء نبخشد، این امر موجب عدم ارتباط فعال و مؤثر بین معلم و دانش‌آموز می‌گردد. باید توجه به این مطلب داشته باشیم که حدود ۶۰ درصد از سوء تفاهم‌ها در ارتباط با دیگران، به خاطر ضعف در مهارت گوش‌دادن فعال است.

نکته‌ی پایانی اینکه، میزان تراکم دانش و اندوخته‌های علمی منجر به ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز نمی‌گردد بلکه، گسترش بیش و بصیرت منجر به بهبود و عمق بخشی رابطه می‌شود.

سلاله اخلاقی





حلقه مفقوده ارتباط مؤثر بین مربیان، معلمان و مبلغان با دانش آموزان



اگر در رفتار با دانش آموز سنگ بنای محبت و یک‌رنگی بنا کنیم، او نیز همراه می‌شود و به مربی خود به‌عنوان یک بلد راه نگاه می‌کند. البته این بذل محبت باید هدفی الهی داشته باشد تا اثربخش باشد. در دنیای کنونی باوجود انواع ابزار ارتباطات و فناوری پیشرفته، مسئله آموزش و پرورش نوجوانان بسیار پیچیده شده‌است.

این پیچیدگی گاهی می‌تواند برای مربیان و معلمان و حتی والدین دانش آموزان نگران‌کننده باشد. راه‌یابی به دنیای پرهیجان دانش‌آموزان، گاهی خیلی سخت به نظر می‌رسد و همین سختی ظاهری می‌تواند معلمان و مربیان را قدم قدم از دانش‌آموزان دور و دورتر کند؛ اما فراموش می‌شود که برای

رسیدن به هدفی، نباید فقط از مسائل و پیچیدگی‌هایش ترسید، گاهی هم باید یک مسئله مهم و بزرگ را به چند ریز مسئله تبدیل کرد، آن‌وقت می‌توان بدون خوف از چگونگی و چرایی، با دید امید و توانمندی به مسائل نگاه کرد.

قطعاً ارتباط با نوجوانان کار بسیار حساسی است؛ اما در عین حساسیت، سادگی و روانی خاص خود را داراست و این مسئله، اقتضای شرایط نوجوانی دانش‌آموزان است که آنان را آرمان‌خواه، بلندپرواز و درعین‌حال آزاد می‌کند.

آزادگی در این نسل از خصوصیات بارز آنان است که اگر در مواجهه درست و منطقی با مسائل قرار گیرند، می‌توانند راه درست را انتخاب کنند.

حال کسی که به‌عنوان مربی یا معلم در کنار نوجوان قرار می‌گیرد، باید بتواند از این تحفهٔ ناب خدادادی، درست بهره بگیرد و دانش‌آموز را به سمت راه درست سوق دهد، آن‌هم راه درستی که قبلاً خود مربی آن را پیموده باشد و به آن مؤمن باشد.

در عصر امروز که هرگونه خطا و اشتباهی در زوروقی از زیبایی پیچیده می‌شود، در راستای نشان دادن راه درست نیازمند قوی شدن هستیم. راهی که باید خودمان هم در آن راه قرار گرفته باشیم.

ما، در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری به دین نیازمندیم و این را از پس اتفاقات تلخ و شکست‌ها بی‌برده‌ایم. تجربه این تلخ‌کامی‌ها، انسان این عصر را تشنهٔ اتصال به منبع الهی می‌کند.





سلطه‌گری معلم نسبت به دانش‌آموز

یکی دیگر از موانع ارتباط مؤثر، سلطه‌گری معلم نسبت به شاگردانش است. زمانی که معلم بداند شاگردان در دستان او امانت‌های الهی‌اند، هرگز نسبت به آن‌ها حالت سلطه‌گری نخواهد داشت. چون در برخورد ابتدایی تصویری که دانش‌آموز از معلم خویش در ذهن می‌سازد تصویر خوبی است؛ اما سلطه‌گری منجر می‌شود که دانش‌آموزان تصویر ذهنی‌شان نسبت به معلم تغییر کند و همین مسئله، شکاف ارتباطی بین آن‌ها را نتیجه می‌دهد.

عدم همدلی با دانش‌آموز

از موانع مهم در درک مفاهیم آموزشی، عدم رابطه‌ی همدلانه میان معلم و دانش‌آموز است. همدلی یعنی؛ معلم سر بزنگاه علاقه‌ی دانش‌آموز را کشف کند و در برخورد با دانش‌آموز، از قوه‌ی حسی و عاطفی خود کمک گیرد و با اصل مهربانی با او رفتار کند؛ اگر همدلی میان معلم و شاگرد وجود نداشته باشد، این مسئله باعث می‌شود که معلم توانایی لازم برای نفوذ در دل شاگرد را از دست بدهد و این امر در نهایت، منجر به تخریب رابطه‌ی آن‌ها می‌گردد.

عدم دریافت بازخوردهای مثبت و منفی

اگر معلم در حین تدریس از دانش‌آموزان، بازخورد مثبت و منفی بگیرد با ارائه‌ی این راهبرد علاوه بر آن که اجازه فکر کردن به آن‌ها داده است؛ متوجه ضعف‌های تدریس خود نیز می‌شود. دیگر آن‌که معلم همواره باید روح آزادی و تفکر توأم با پژوهش را در شاگردانش پروراند تا این‌گونه رابطه‌شان بهبود یابد.

عدم گوش دادن فعال و مؤثر

تا زمانی که معلم مهارت شنیداری خود را ارتقاء نبخشد، این امر موجب عدم ارتباط فعال و مؤثر بین معلم و دانش‌آموز می‌گردد. باید توجه به این مطلب داشته باشیم که حدود ۶۰ درصد از سوءتفاهم‌ها در ارتباط با دیگران، به خاطر ضعف در مهارت گوش دادن فعال است.

نکته‌ی پایانی اینکه، میزان تراکم دانش و اندوخته‌های علمی منجر به ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز نمی‌گردد بلکه، گسترش بینش و بصیرت منجر به بهبود و عمق بخشی رابطه می‌شود.

سلاله اخلاقی

خبرگزاری حوزه / <https://b2n.ir/p.۲۴۰۳>





نوجوان به ارمغان می‌آورد. تاجی از جنس محبت در سایه تاسی از مربی مهربان و دلسوز، برای هرچه بیشتر آماده شدن برای راه‌یابی به جامعه و پذیرش نقش‌های متفاوت در زندگی اجتماعی و در نهایت ولایت‌پذیری و مراتب آن تا خود خدا.

فاطمه میری‌طایفه‌فرد / خبرگزاری صاحب نیوز / <http://snai.ir/1121185>





یادداشتی برای آموزگاران



حوزه/ اهمیت تعلیم و تربیت، پیچیده بودن و وجود ظرافت‌های زیاد در این امر می‌طلبد که مربیان و معلمان ما برای تربیت انسان‌های شایسته، آموزش کافی و مهارت لازم را کسب کنند. به همان اندازه که معلم و مبلغ مهارت پیدا کند و دغدغه تربیت داشته باشد، می‌تواند در پیشرفت و تربیت مخاطبانش اثرگذار باشد.

خبرگزاری حوزه | تعلیم و تربیت مسئله‌ای پیچیده، دقیق و ظریف است. برای انجام یک کار دقیق و مهم باید به سراغ بهترین روش‌ها

رفت. بحث تعلیم و تربیت در یک خانواده، مدرسه، مسجد، هیئت و محیط‌های اجتماعی دیگر، قابل طرح است.

ضرورت پرداختن به مسئله مهم تعلیم و تربیت بر کسی پوشیده نیست. مربیان، معلمان و مبلغان مهم‌ترین وظیفه و حساس‌ترین نقش را در آموزش و پرورش افراد جامعه و مخصوصاً نسل نو به عهده دارند. انتقال مطالب و فرهنگ یک نسل به نسل بعد، تربیت انسان‌های متعهد و مسئول و آماده‌سازی نسلی که بتواند بار مسئولیت دوران طلایی ظهور را بر دوش خود تحمل کند، مهم‌ترین و سنگین‌ترین وظیفه مسئولین فرهنگی جامعه است.

اهمیت تعلیم و تربیت، پیچیده بودن و وجود ظرافت‌های زیاد در این امر می‌طلبد که مربیان و معلمان ما برای تربیت انسان‌های شایسته، آموزش کافی و مهارت لازم را کسب کنند. به همان اندازه که معلم و مبلغ مهارت پیدا کند و دغدغه تربیت داشته باشد، می‌تواند در پیشرفت و تربیت مخاطبانش اثرگذار باشد.

کارشناسان علوم تربیتی بر این عقیده‌اند که دانش و تسلط مربی و معلم بر موضوعی که به مربی و دانش‌آموز ارائه می‌دهد، تنها ۵۰ درصد از سهم یادگیری را دارد و ۵۰ درصد بقیه، سهم مهارت ارتباطی مؤثر و رابطه صمیمانه با مربی است.

یکی از این مهارت‌ها، مهارت قصه‌گویی، استفاده از داستان، حکایت و تمثیلات در تدریس و تبلیغ است.

متون غنی ادبیات فارسی پُر است از حکایات و داستان‌های پندآموز، جذاب و شنیدنی. قرآن کریم نیز منبع کاملی از داستان‌های واقعی و عبرت‌آموز است. همچنین تاریخ پرفرازونشیب کشورمان، مملو از درس‌هایی است از تجربیات تلخ و شیرین، از مجاهدت مردان بزرگ و خیانت نامردان.





داستان، فقط برای سرگرمی بچه‌ها و خواباندن کودکان نیست. داستان‌ها و حکایت‌ها برای بیداری ملت‌هاست. قرآن، داستان قوم نوح، قوم ثمود، بنی اسرائیل و... را بیان می‌کند تا ما معیاری برای شناخت راه از بیراهه داشته باشیم. مولوی با کمک حکایات و تمثیلات، مطالب مهم عرفانی را به ساده‌ترین زبان برای مخاطبان عام، قابل فهم می‌کند. سعدی در گلستان، روابط اجتماعی، نکات ناب اخلاقی - تربیتی، راه و رسم پهلوانان و منش ایرانیان گذشته را گاه به صورت طنز و گاه با نگاهی جدی، باظرافت و شیرینی برایمان حکایت می‌کند.

قدیمی‌ترین قصه‌ها، قرن‌ها پیش بر روی دیواره غارها نقش بسته شده‌اند. علاقه کوچک و بزرگ به تماشای فیلم و سریال حتی وقتی تکراری هستند، به خاطر محتوای داستان گونه آن‌ها است. داستان، تجربه بهتر زیستن را به ما می‌آموزد.

بهترین زبان برای انتقال مفاهیم عقلانی به بچه‌ها زبان داستان و حکایت است. وقتی مربی و مبلغ داستان می‌گوید گویا متری در حال تجربه کردن و همراهی با شخصیت‌های داستان است و به جانش می‌نشیند. اینجا مخاطب و دانش‌آموز در مقام شنیدن سخنرانی و نصیحت نیست، او در حال شنیدن داستان است. آموختن و دریافتن از زبان حکایت و داستان بسیار عمیق‌تر است. بسیاری از خاطرات شیرین ما و آنچه در حافظه ما از کلاس درس و منابع سخنرانی‌ها باقی مانده، حکایت‌های تلخ و شیرین آن‌ها است و دوست‌داشتنی‌ترین و به یادماندنی‌ترین شخصیت‌ها، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و قصه‌گوهای مهربان هستند.

قصه تنها برای سپری کردن وقت و شاد کردن بچه‌ها نیست، روانشناسان رشد معتقدند که قصه فواید زیادی در شکل‌گیری و رشد شخصیت فرزندان ما دارد.

ما در اینجا به‌طور مختصر به چند مورد، اشاره می‌کنیم:

- آشنایی با سرگذشت دانشمندان، هنرمندان، شخصیت‌های تاریخی و مذهبی و سرمشق گرفتن از آن‌ها
- یادگیری مفاهیم و آموزه‌های فرهنگی - اجتماعی و آشنایی با تمدن، میراث فرهنگی و آداب و رسوم جامعه
- انتقال پیام‌های فرهنگی و ارزش‌های انسانی مثل: نوع دوستی، همدردی، خوش بینی
- بالا بردن مهارت شنیداری، تقویت خلاقیت و حافظه کودکان و بهبود یادگیری تحصیلی
- کمک به تصمیم‌گیری بهتر در موقعیت‌های جدید یا دشوار

در روزگار ما که بسیاری از دانش‌آموزان و حتی والدین آن‌ها به دلیل استفاده زیاد از رسانه‌های تصویری، راه درست گوش کردن را نمی‌دانند، معلم و مبلغ با به کارگیری ابزار قصه در تدریس و تبلیغ





راه درست گوش کردن و اهمیت سکوت را به آنها می‌آموزد. تدریس داستان گونه موجب آن می‌شود که مخاطب تجزیه و تحلیل بهتری داشته باشد، روابط علت و معلولی را کشف کند، استدلال‌ها را دریابد و در نتیجه، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند.

نیره تسلیم، عضو گروه نویسندگی صریر / <https://hawzahnews.com/xc\pZ/>





نقش و جایگاه ارتباط مؤثر در تعلیم و تربیت



نکته قابل توجه این است که ارتباط، کلید تعلیم و تربیت است و ارتباط با الفت و محبت امکان‌پذیر است؛ از این جهت در این دو سوره سخن از رحمانیت خداوند توأمان با تعلیم و تربیت به میان آمده و این امر نشان از تعلیم و تربیت در سایه رحمت و شفقت خداوند دارد.

در اهمیت ارتباط مؤثر در تبلیغ، تعلیم و تربیت می‌توان گفت خداوند متعال در آیه ابتدایی سوره حمد، لفظ رب به معنای مربی و پرورش‌دهنده را در مورد خود بیان نموده و همچنین در سوره الرحمن آیه ۳ خویش را معلم انسان خوانده است.

نکته قابل توجه این است که ارتباط، کلید تعلیم و تربیت است و ارتباط با الفت و محبت امکان‌پذیر است؛ از این جهت در این دو سوره سخن از رحمانیت خداوند توأمان با تعلیم و تربیت به میان آمده و این امر نشان از تعلیم و تربیت در سایه رحمت و شفقت خداوند دارد.

همچنین خداوند، پیامبر اکرم را نیز معلم و مبلغ برای بشریت معرفی کرده است تا حقایق اصیل توحیدی را در نفوس انسان‌ها نهادینه کند.

رویه تربیتی خداوند در تربیت انسان‌ها رحمت است و رویه و سیره نیکو و کریمانه پیامبر اکرم نیز بر اساس قرآن، رحمت بر عالم بیان شده است.

معلمان و مبلغان به‌عنوان داعیه‌داران شغل انبیا و ادامه‌دهندگان راه آنان و با توجه به نقش مهمی که در سلامت فکری و روانی مخاطبان‌شان دارند، باید با تمام توانایی، دانایی، خلاقیت خاص خود و برقراری ارتباط مؤثر، مخاطبان را یاری داده تا بتوانند سعادت دنیوی و اخروی را کسب نمایند.

ارتباط مؤثر در تبلیغ و تدریس را می‌توان در سه بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. ویژگی‌های مبلغ و معلم مؤثر و کارآمد.

۲. ویژگی‌های فضای آموزشی مؤثر.

۳. ویژگی‌های محتوای آموزشی مؤثر.





*ویژگی‌های مبلغ و معلم مؤثر و کارآمد

از جمله آن ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مخاطب‌شناسی

یکی از امور ضروری برای یک مبلغ و معلم این است که به شناخت صحیح از مخاطب دست یابد تا بر اساس ظرفیت و سطح فکری مخاطبان با آن‌ها به گفتگو بپردازد.

خوش اخلاقی

از دیگر اموری که می‌تواند امر تبلیغ و آموزش را مؤثر قرار داده و تقویت‌کننده ارتباط با مخاطب باشد خوش اخلاقی است؛ خوش اخلاقی تنها به معنای خوش رویی و داشتن چهره‌ای متبسم نیست بلکه علاوه بر آن داشتن روحیه رفق، بخشش و... را نیز شامل می‌شود.

پرهیز از پیام‌های تحقیرآمیز کلامی و غیرکلامی

نشان دادن محبت قلبی و احترام گذاردن به مخاطبان

پرهیز از قضاوت‌های غیرمنصفانه

پرهیز از تبعیض بین مخاطبان حتی در نگاه کردن به آن‌ها

ویژگی‌های فضای آموزشی مؤثر

۱. ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان دانش آموزان و حاکمیت نظم و انضباط در کلاس، نظارت بر رفت و آمدهای کلاس و شروع کلاس با مقدمه خوش آمدگویی و احوالپرسی و پیگیری مشکلات مخاطبان از جمله ویژگی‌های فضای آموزشی مؤثر است.

ویژگی‌های محتوای آموزشی مؤثر

مطابقت و هماهنگ‌سازی محتوای آموزشی با توان، ظرفیت و علاقه و میل باطنی فراگیران، اطمینان به آشنایی فراگیران با روش کار معلم و فهم آن، ارائه بهترین تدریس با کمترین مقدار زمان و اطلاعات، ساده‌سازی مفاهیم مشکل و ارائه ساده و قابل فهم آن و ایجاد توانمندی در مخاطب نه انباشت اطلاعات و داده‌های نظری ویژگی‌های محتوای آموزشی مؤثر است. نتیجه اینکه بایسته است مبلغین و معلمان برای تحقق ارتباط مؤثر در رابطه با تعلیم و تربیت با توجه به سیره تبلیغی پیامبر قاعده کلی ارتباط مؤثر، آداب و عوامل آن را بشناسند و مصادیق ارتباط مؤثر را با توجه به زمانه خویش باز یابی کنند تا در امر تبلیغ و تدریس خویش از موفقیت بالایی برخوردار گردند. همچنین موانعی که بر سر راه ارتباط مؤثر است را نیز شناسایی کرده و از سر راه موفقیت خویش بردارند.

مریم رمضان قاسم عضو گروه نویسندگی صریر وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان/ خبرگزاری

صاحب نیوز / <http://snai.ir/1124418>





*ویژگی‌های مبلغ و معلم مؤثر و کارآمد

از جمله آن ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مخاطب‌شناسی

یکی از امور ضروری برای یک مبلغ و معلم این است که به شناخت صحیح از مخاطب دست یابد تا بر اساس ظرفیت و سطح فکری مخاطبان با آن‌ها به گفتگو بپردازد.

خوش اخلاقی

از دیگر اموری که می‌تواند امر تبلیغ و آموزش را مؤثر قرار داده و تقویت‌کننده ارتباط با مخاطب باشد خوش اخلاقی است؛ خوش اخلاقی تنها به معنای خوش رویی و داشتن چهره‌ای متبسم نیست بلکه علاوه بر آن داشتن روحیه رفق، بخشش و... را نیز شامل می‌شود.

پرهیز از پیام‌های تحقیرآمیز کلامی و غیرکلامی

نشان دادن محبت قلبی و احترام گذاردن به مخاطبان

پرهیز از قضاوت‌های غیرمنصفانه

پرهیز از تبعیض بین مخاطبان حتی در نگاه کردن به آن‌ها

ویژگی‌های فضای آموزشی مؤثر

۱. ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان دانش آموزان و حاکمیت نظم و انضباط در کلاس، نظارت بر رفت و آمدهای کلاس و شروع کلاس با مقدمه خوش آمدگویی و احوالپرسی و پیگیری مشکلات مخاطبان از جمله ویژگی‌های فضای آموزشی مؤثر است.

ویژگی‌های محتوای آموزشی مؤثر

مطابقت و هماهنگ‌سازی محتوای آموزشی با توان، ظرفیت و علاقه و میل باطنی فراگیران، اطمینان به آشنایی فراگیران با روش کار معلم و فهم آن، ارائه بهترین تدریس با کمترین مقدار زمان و اطلاعات، ساده‌سازی مفاهیم مشکل و ارائه ساده و قابل فهم آن و ایجاد توانمندی در مخاطب نه انباشت اطلاعات و داده‌های نظری ویژگی‌های محتوای آموزشی مؤثر است. نتیجه اینکه بایسته است مبلغین و معلمان برای تحقق ارتباط مؤثر در رابطه با تعلیم و تربیت با توجه به سیره تبلیغی پیامبر قاعده کلی ارتباط مؤثر، آداب و عوامل آن را بشناسند و مصادیق ارتباط مؤثر را با توجه به زمانه خویش باز یابی کنند تا در امر تبلیغ و تدریس خویش از موفقیت بالایی برخوردار گردند. همچنین موانعی که بر سر راه ارتباط مؤثر است را نیز شناسایی کرده و از سر راه موفقیت خویش بردارند.

مریم رمضان قاسم عضو گروه نویسندگی صریر وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان/ خبرگزاری

صاحب نیوز / ۱۱۲۴۴۱۸ / <http://snai.ir>

